

بررسی و تحلیل شرایط هدیه دادن و هدیه گرفتن از دیدگاه حضرت علی(ع)

دکتر علی اکبر عباسی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۱۱

چکیده

هدیه در سیره امام علی(ع) و بررسی عملکرد آن حضرت در این باره بخصوص در عهد خلافت موضوعی است که مدتی ذهن نویسنده را به خود مشغول می داشت و بر این اساس پژوهش حاضر انجام شد سوال اصلی این تحقیق این بود که دیدگاه حضرت علی(ع) درباره شرایط هدیه دادن و هدیه گرفتن چیست؟ با واکاوی منابع تاریخی، ادبی، فرهنگنامه ای و نهج البلاغه که از قرون نخستین اسلامی باقی مانده است سعی شد پاسخ مناسبی برای سوال مذکور ارائه شود. یافته های پژوهش حاکی از آن است که حضرت امیر (ع) برای هدیه دادن و هدیه گرفتن معیارهای داشتند که از جمله آنها این بود که هدیه باید از اموال شخصی و نه بیت المال داده شود و باید ساده و بی تکلف باشد. هدیه نباید با انگیزه گرفتن منصب و یا موقعیتی دنیایی ارائه شود. امام علی(ع) نسبت به هدیه دادن و هدیه گرفتن ساده و بی تکلف از اقشار ضعیف و گروههایی که از سوی فرصت طلبان و اشراف منزوی شده بودند، راغب بود. هدیه دادن به همسایگان هم در سیره آن بزرگوار ارجحیت داشت آن حضرت با این که هدیه دادن و گرفتن را بسیار نیکو می دانست ولی نسبت به هدیه دادن های بعضی از کارگزارانش از بیت المال به سختی عکس العمل نشان داد.

کلید واژه ها: هدیه، امام علی (ع)، بیت المال، اموال شخصی، بی تکلف

مقدمه

هدیه و ارمغان در تمام ادیان مورد توجه بوده و هست ادیان ابراهیمی به ویژه بر این سنت خداپسندانه تاکید دارند. فطرت بشر تمایل به این عمل خداپسندانه دارد و یکی از دلایل بقای هدیه دادن و هدیه گرفتن هم همین موضوع است. در دین اسلام هم توجه به هدیه همواره مطرح بوده است هدیه دادن به دوستان، خویشاوندان و هواخواهان به مناسبت‌های مختلف همواره مورد توجه بوده است. ممکن است انگیزه‌های متفاوت باعث رواج و توسعه هدیه دادن شود و در بین اقشار مختلف نیت‌های این اقدام یکسان نباشد. مساله تحقیق در این مقاله بررسی و تحلیل روش و سیره امام علی(ع) درباره هدیه دادن و هدیه گرفتن می‌باشد. به راستی حضرت امیر(ع) در هدیه دادن و هدیه گرفتن چه ملاکها و معیارهایی داشتند؟ و چرا امام در مواردی از هدیه گرفتن شادمان می‌شد و در بعضی موارد بشدت برافروخته و ناراحت؟ در هدیه دادن نیز امام چه معیارهای را رعایت می‌کرد؟ برای یافتن پاسخ این سوال به سخنان خود امام در نهج البلاغه و دیگر منابع متقدم معتبر مراجعه شد تا با بررسی عملکرد آن حضرت در این زمینه سیره ایشان در مورد هدیه دادن و هدیه گرفتن روشن شود. تا جایی که بنده جستجو کردم در این باره مقاله‌ای نوشته نشده بود و کتاب خاصی را هم که به این موضوع در دوره امام علی(ع) پرداخته باشد پیدا نکردم.

هدیه ارمغانی الهی

عقل ارمغان الهی خدا به بشر است انسانها نسبت به سایر جانداران به واسطه عقل ممتاز هستند هر چه انسان از عقل خویش بیشتر بهره گیرد متمدن تر می‌شود دولت‌هایی که کمتر از عقل و فکر و اندیشه مردم بهره می‌گیرند، به لحاظ توسعه و پیشرفت در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرند و بر عکس نظام‌های شایسته سالار با مدیریت صحیح بیشترین بهره را از عقول مردم تحت امرشان دارند و در توسعه تمدن تأثیری بیشتری بر جای می‌گذارند^۱ در آیات الهی قرآن توصیه به مشورت شده^۲ تا مسلمانان در عقل یکدیگر شریک شوند. امام علی(ع) درباره اهمیت هدیه می‌فرماید: «ثلاثه اشیاء تدل علی عقول اربابها؛ الهدیه، و الرسول و الكتاب» سه چیز هست که نشان [میزان] عقل صاحب آن دلالت دارد؛ هدیه، فرستاده و نامه^۳. در واقع ارزش انتخاب نوع هدیه، میزان آن و چگونگی هدیه آن قدر بالاست که امیرالمومنین (ع) کیفیتش را به مقدار عقل اشخاص ربط می‌دهد یعنی این که از

جمله چیزهایی که می‌توان میزان عقل افراد را سنجید و محاسبه درستی از شرایط عقلی آنان داشت یکی هم مبحث هدیه هست.

مسلم است که ارزش مالی بالای هدیه مد نظر امام نبوده است بلکه حسن سلیقه در انتخاب نوع هدیه و توجه به شرایط روحی و شخصیتی هدیه گیرنده مورد نظر امیرالمومنین(ع) بوده است چنانکه در بخش‌های بعدی مقاله ذکر خواهد شد امام از هزینه زیاد برای برخی هدیه‌ها رضایت نداشت. از این روایت چنین استنباط می‌شود که انتخاب هدیه اهمیت زیادی دارد و توان و درایت شخص انتخاب کننده می‌تواند نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشته باشد. با حداقل امکانات بیشترین بهره برداری را داشتن، فقط از شخصی ساخته است که شعور بالایی داشته باشد.

هدیه از غنایم جنگی و بیت المال

قبل از خلافت امام علی(ع) هم برخی خلفا و عمّالشان به فکر هدیه دادن به امام علی(ع) بودند در مجموع خلفای سه گانه به فکر صحابه سرشناس رسول خدا(ص) - امیرالمومنین - بودند تا از اعتراض و گله وی از غصب حقش بکاهند و بهتر بتوانند به امور مدنظرشان بدون این که با امام چالشی داشته باشند، رسیدگی کنند خلیفه سوم که مناصب مهم و کلیدی را به خویشاوندان امویش داده بود به برخی از آنان توصیه می‌کرد که هدایایی ویژه و غنایمی مهم را برای حضرت امیر(ع) در نظر بگیرند و از آنجایی که حضرت امیر(ع) از این نوع هدیه‌ها به شدت متنفر می‌شد نسبت به اقدام عمال عثمان عکس العمل نشان می‌داد. سعید بن عاص حاکم عثمان بر کوفه بود. این شهر پایگاه مهاجران مجاهد بود و فاتحان نیمه شمالی ایران در آن مستقر بودند، او طبق نظر عثمان هدیه‌ای گرانبها برای حضرت امام علی(ع) تدارک دید و آن را تقدیم ایشان کرد وی با تکلف بسیار تاکید داشت که تنها هدیه‌ای که برای خلیفه عثمان تهیه کرده‌ام از هدیه شما با ارزش تر است.^۴ حضرت امیر(ع) پولی را که امویان از بیت المال می‌بخشیدند حق مردم می‌دانست و درباره این بخشش حق الناس از سوی سعید بن عاص نیز فرمود؛ «... سهم بیوه زنان و پابرهنگان را برای ما می‌فرستد...»^۵ امام درباره اقدامات امویان در عهد خلافت عثمان در این باره می‌فرماید؛ «فرزندان امیه میراث محمد را اندک اندک به من می‌رسانند چنانکه شتر بچه را اندک اندک شیر بنوشانند بخدا اگر زنده ماندم بیت المال را پراکنده گردانم چنانکه قصاب پاره شکمبه خاک آلود را به دور افکند...»^۶ این خطبه امام فقط سخنرانی و شعار

نبود، عملاً هم پس از رسیدن به خلافت پول بیت المال را در بین مردم تقسیم نمود و در ابتدای خلافتش گفت که پول حیف و میل شده توسط عمال و شخصیت‌های مطرح دولت قبلی را به بیت المال بازخواهد گرداند بحث از شکمبه خاک آلود را آن حضرت بدین دلیل مطرح می‌کرد که پول دنیا در نظر ایشان بی‌ارزش و رساندن حق به صاحبانش برای امیرالمومنین (ع) بسیار ارزشمند بود ایشان اموال و منصب دنیا را از آب بینی بز^۷ هم پست‌تر می‌دانست^۸ و در جایی می‌گوید: از استخوان خوکی که در دهان سگی باشد پست‌تر است^۹. تقریباً همین عکس العمل را برخی شیعیان امام هم - که تحت شیوه‌های علوی پرورش یافته بودند - نسبت به هدیه‌های امویان و حکام اموی داشتند. ابوذر نسبت به هدیه‌های ارسالی معاویه در شام حساسیت نشان داد. زمانی که معاویه با اعتراضات ابوذر در شام مواجه شد برای ساکت کردن او متوسل به درهم و دینار شد و مبلغ سیصد دینار را برای وی فرستاد این اقدام معاویه باعث عکس العمل ابوذر شد و گفت اگر این پول مستمری من هست که یک سال است قطع کرده‌اید می‌پذیرم و اگر می‌خواهید به عنوان بخشش به من بدهید قبول نمی‌کنم و در نهایت این پول را برگرداند^{۱۱} بنا به روایتی هم معاویه برای وی هزار درهم فرستاد که او در میان فقرا پخش کرد^{۱۱} وقتی معاویه دید او را نمی‌تواند با درهم و دینار بخرد از عثمان خواست وی را از شام فراخواند.

واقعیت این است که امام پرداخت هدیه از جیب مردم از بیت المال و از حق الناس را به شدت طرد می‌کرد و قبول نداشت و حاکمانی که این کار را انجام می‌دادند مورد بازخواست امام واقع شدند یک نمونه بارز از این نوع مصقله بن هبیره شیبانی بود او که برای خودنمایی و نشان دادن بزرگ منشی خود - تحت تاثیر تعاریف اسرای بنی‌ناجیه^{۱۲} از وی - با پول بیت المال آنها را خرید و آزاد کرد^{۱۳} پس از آن او با توبیخ امام مواجه شد. امیرالمومنین او را از محل حکومتش - شهر اردشیر خره - به کوفه احضار کرد و سخت‌گیری امام برای پرداخت حق الناس در نهایت باعث شد مصقله به معاویه بپیوندد^{۱۴}. امام از کار مصقله در خرید اسرا ستایش کرد: «...کاری کرد چون کار آزادگان ...»^{۱۵} و حتی گفته بود که از اموال شخصی به وی در بازپرداخت بدهی‌اش به بیت المال کمک خواهد کرد اما نسبت به حق الناس به قدری سخت‌گیر بود که این عمل خداپسندانه هم از پول مردم پذیرفتنی نبود مهلت لازم هم به وی داده شد مصقله می‌توانست از کمک افراد قبیله خود هم در این راستا بهره

مند شود منتهی غرور وی مانع از آن بود تا به قول خودش پول کلانی را بر آنان تحمیل کند^{۱۶} و از دست امام عصبانی بود و و طوری صحبت می کرد که علی قرار است طلب شخصی اش را از وی بگیرد به همین دلیل به دوستانش می گفته است ؛ «که اگر پسر عفان یا پسر هند این پول را از من طلب می داشتند آن را به من واگذار می کردند»^{۱۷} او نصف بدهی اش را هم داد^{۱۸} ولی ابوالحسن نسبت به پول مردم بسیار حساس بود و از دیناری عدول نمی کرد. وقتی علی(ع) پول بیت المال را برای انجام کارهایی پسندیده به نام خود شخص قبول ندارد ، حساسیت او با اسراف و تبذیر بیت المال در امور شخصی معلوم است. بدیهی است که خود امام به هیچ وجه این جور هدیه های سنگین را به کسی نبخشیده و جایی هم ذکر نشده است که امام هدیه ای کلان را به فلان سردار یا فلان شخص از اسراف و یا فلان حاکم داد.

پرداخت هدیه به امام بر اساس رسم باستانی

هدیه از بیت المال و از اموال عمومی به دوستان و صاحب نفوذان و غیر آن و برای رسیدن به مقاصد سیاسی یا ساکت کردن مخالفان از نظر امیرالمومنین گناهی نابخشودنی بود. طبیعتا امام هدیه های این نوع هدایا را حق خود نمی دانست اما در مواردی هدیه های مردمی متوجه امام بود که ربطی به بیت المال و حق الناس هم نداشت با وجود این آن حضرت از پذیرش هدایای گرانبهای مردمی نیز پرهیز می کرد. مردم منطقه سواد و عراق عمدتا ایرانی بودند و قبل از اسلام پایتخت ایران شهر تیسفون در عراق بود شهرهای ایرانی آن منطقه در کنار شهرهای تازه تاسیس عربی کوفه و بصره - که پایگاه مجاهدان عرب برای فتح بقیه ایران بود - معروف و مشهور بود حتی در کوفه هم ایرانیان با نام موالی و عجم ها حضور داشتند و این حضور بعد از آمدن امیرالمومنین به کوفه بیشتر هم شد حضرت امیر فرقی بین عرب و عجم نمی گذاشت و این شیوه رفتاری امام باعث می شد تا ایرانیان بیشتر هواخواه آن جناب باشند ایرانی ها خیلی امام را دوست داشتند و آن حضرت را به مراسم شان دعوت می کردند و هدیه های گرانبهای نیز برای امام تدارک می دیدند آنها می دیدند که علی(ع) بخاطر احترام به شان و شخصیت عجم ها مورد اعتراض اسراف عرب است^{۱۹} که با توجه به شکست ایران و روم از اعراب دچار غرور زیادی شده بودند یکبار ایرانیان و موالی با هم در روز جشن مهرگان هدایای طلائی و مرغوب را تهیه کردند تا امام را غافلگیر و از هدیه ارزنده اشان متعجب کنند. ایرانیان

هدایای طلایی و نقره‌ای در منطقه رحبه فراهم کردند، اما امام این هدیه گرانبها را نمی‌توانست بپذیرد و آن را به خودش اختصاص دهد خطبه معروف آن حضرت پس دیدن آن همه هدایای قیمتی فراوان معروف و مشهور است؛ «ای زردها و ای سپیدها مرا نفریبید و دیگری را نفریبید...» و پس از آن همه اموال و هدایا را در بین مردم تقسیم کرد^{۲۰} امیرالمومنین(ع) خطاب به قنبر هم که بخشی از آن اموال را پنهانی به منزل ایشان آورده بود، عتاب نمود؛ «مادرت به عزایت بنشیند آیا می‌خواهی آتش را به خانه من وارد کنی»^{۲۱} احتمالاً برخی از این رسوم و احترام و بخشش افراطی اموال به حاکمان برای بدست آوردن رضایت آنان تحت تاثیر رسوم باستانی و توجه به پادشاهان و حاکمان در دوره قبل از اسلام بوده است چنانکه دهقانان هرات- در دوره خلافت عثمان - به احنف بن قیس گفتند ما در مهرگان به حاکمان هدیه می‌دهیم تا آنان را به رافت آوریم و آن هدایا فراتر از خراج و جدای از آن بود^{۲۲} احنف این اموال را نگرفت و موضوع را به عبدالله بن عامر حاکم اموی گزارش داد امیران اموی که برای ایشان غارت مردم عادی بود و گرفتن هر گونه اموال را غنیمتی بزرگ می‌دانستند این فرصت‌ها را از دست نمی‌دادند و عبدالله نیز تمام آن گنجینه‌ها را برای خود برداشت. در عهد اموی پرداخت هدیه در مهرگان عادی شد و به صورت انتظاری از سوی خلفا و حکام درآمد و تا قرون بعد هم ادامه یافت.

پیشنهادهایی مشابه از سوی ایرانیان در شهر قدیمی ایرانی انبار بر سر راه امام علی(ع) به صفین نیز به آن حضرت شد. به محض قرار گرفتن امام در ناحیه انبار دهقانان ایرانی که انتظارش را می‌کشیدند، به استقبالش آمدند گروهی از آنان بنوخشروشک - فرزندان خشروشک - بودند. آنان برای خوشامدگویی به امام مراسمی داشتند از جمله این که پیاده در رکاب امام می‌دویدند و آن را حمل بر احترام به فرمانروایان می‌کردند امیرالمومنین(ع) آنان را از این کار بازداشت^{۲۳} از دیگر اقدامات آنان در این هنگام پیشکشی چارپایانی به آن حضرت بود بنا به نقلی تعدادی قاطر را به عنوان هدیه به حضرت امیر(ع) تقدیم کردند^{۲۴}، امام به ایشان گفت فقط در صورتی این چارپایان را از شما می‌ستانیم که مبلغ قیمت آنها را از خراجتان کم کنیم. آنها برای سپاه امام خوراکی و غذا تدارک دیده بودند اما آن حضرت گفت؛ ما خوش نداریم که چیزی از مال شما را جز با پرداخت بهای آن بخوریم^{۲۵} گفتند ای امیرمومنان ما آن را ارزیابی می‌کنیم و سپس بهای آن را خواهیم گرفت گفت: اگر بهایش را معلوم

نکنید ما به همان آذوقه ای که خود داریم اکتفا می‌کنیم. امام که می‌دانست برخی از اشراف عرب از نیت خالصانه آنها سوء استفاده می‌کنند و هدیه‌های گرانبها می‌گیرند خطاب به آنان گفت: «بر هیچیک از مسلمانان روا نیست که پیشکش شما را بپذیرد و اگر کسی چیزی از شما را به زور غصب کند ما را خبر دهید...»^{۲۶}

امام علی(ع) به خوبی می‌دانست که گرفتن این هدایا باعث می‌شود که در برخی از اعراب پرتوقع و فرصت طلب توقع هدیه اجباری همیشگی را داشته باشند و آنچه را فراتر از پرداخت خراجشان بود نمی‌پذیرفت معاویه که برایش ارزشهای دینی مطرح نبود بعداً گرفتن هدیه اجباری در اعیاد ایرانی مثل مهرگان را اجباری کرد و مبالغ هنگفتی - ده میلیون درهم - را از این طریق وصول می‌کرد^{۲۷} و زمینه برای بخشش‌های کلانش به اشراف فراهم می‌شد در واقع این گونه هدیه‌های اجباری در تشدید نظام طبقاتی و فاصله بیشتر بین فقرا و اغنیا موثر بود.

رثوه به نام هدیه

ایرانیان کوفه به امام علاقمند بودند بابت این که هیچ وقت تحقیرشان نمی‌کرد و با آنان مهربان بود و حس برتری طلبی عربها را نداشت. با وجود این، هدیه‌های گرانبهای آنان را به دلیل بیزاری از دنیا و هم شرایط جامعه و مردم نمی‌پذیرفت. در هیچ منبعی هم نقل نشده است که ایرانیان از جمع-آوری آن هدایای گرانبها منظوری خاص مثلاً دستیابی به منصبی مهم یا در اختیار گرفتن حکومتی مهم را در نظر داشتند اصلاً شرایط ایرانیان که تازه شکست خورده بودند در آنها سالها به گونه‌ای نبود که چنین درخواستی را داشته باشند. اما شرایط اعراب که گروه غالب و پیروز نبرد بودند، فرق می‌کرد. اسلام دینی بین‌المللی شده بود و برخی از اعراب آن را از آن عرب می‌دانستند به خصوص برخی از اشراف از امام علی(ع) توقع واگذاری حکومت مناطق مهم را داشتند در کوفه یکی از آنان اشعث بن قیس کندی بود وی قبلاً در عهد عثمان پس از اینکه پسر عثمان دختر اشعث را به زنی گرفته بود، حاکم آذربایجان شد.^{۲۸} اشعث در فتوح هم تاثیر نسبتاً موثری داشت و طبیعتاً خود را مُحِق حکومت بر بلاد می‌دانست با نفوذی که او به خصوص در بین یمنیان داشت عثمان راضی شده بود که سالانه صد هزار درهم از خراج آذربایجان برای خود بردارد.^{۲۹} او در عهد امام علی هم خواهان حکومت بود

وی برای رسیدن به مقصدش هدیه‌ای بسیار گرانبها را برای امام تدارک دید در منابع آمده است که او برای تدارک این هدیه تکلف بسیار و رنج زیادی کشیده بود^{۳۰} اما امیرالمومنین(ع) که از قصد و نیت وی آگاه بود و اشعث را به خوبی می‌شناخت به شدت وی را از خود راند هدیه او را نپذیرفت و وی را به خاطر این گونه اعمالش سرزنش کرد به همین دلیل هم کارشکنی‌های اشعث بر ضد امام در اواخر خلافت ایشان روز به روز زیادتر می‌شد. حضرت امیر(ع) از کارشکنی‌های اشعث باخبر بود ولی تثبیت حکومت برای امام اولویت نداشت بلکه اجرای عدالت و قرار دادن حق در جای خودش و ایجاد عدالت اسلامی برای امام بسیار مهمتر بود.

حضرت علی(ع) از این که رشوه را با نام هدیه بپذیرد به شدت پرهیز می‌کرد غیر از سیره عملی امام که استتکاف ایشان از این گونه رشوه‌ها را تایید می‌کند در سخنان امام هم طرد این شیوه مشهود است آن حضرت جامعه‌ای را که در آن مدیران رشوه را با نام هدیه بپذیرند به شدت سرزنش می‌کند. درباره ویژگیهای منفی جامعه دوران پس از پیغمبر (ص) از زبان حضرت رسول(ص) می‌گوید: «...حرام خدا را حلال شمارند، با شبهت‌های دروغ و هوسهایی که به غفلت در سر دارند می‌را نیبند گویند و حلال پندارند. حرام را هدیت^{۳۱} [هدیه] خوانند و ربا را معاملت دانند...»^{۳۲} در دوران خلافت آن حضرت حاکمانی که اهل رشوه به هر نامی بودند برکنار می‌شدند در واقع آن حضرت به محض اطلاع از رشوه گیری حاکمان زیردستش آنها را برکنار می‌کرد. منذر بن جارود از جمله این افراد بود که مورد سرزنش امام نیز قرار گرفت، البته برکناری منذر دلایل دیگری نیز داشت.

هدیه پسندیده از نگاه امام علی(ع)

با توجه به سیر بحث در این مقاله طبیعتاً این سوال پیش می‌آید که پس امیرالمومنین(ع) چه نوع هدیه‌ای را مناسب می‌دانست و اگر نوع هدیه و شرایط آن میزان عقل و شعور هدیه دهنده را نشان می‌دهد خود امام چه نوع هدیه‌هایی می‌داد و چه نوع هدیه‌هایی را می‌پذیرفت.

در پذیرفتن هدیه امام هیچ وقت هدیه‌ای متکلفانه را از هیچ کسی نگرفت ولی نسبت به هدیه‌های ساده و بی‌تکلف که خالصانه از سوی افراد عادی به آن حضرت داده می‌شد، به شدت رغبت داشت. مخصوصاً در گرفتن هدیه‌های ساده از ایرانیان و هم غذا شدن و انس و الفت با آنان ابراز علاقه می‌-

کرد. امام با این کار سعی داشت با غرور و خودبزرگ بینی برخی اشراف عرب مبارزه کند و هم این که نشان دهد شخصیت افراد و شان و جایگاه آنها از هر نژادی که باشند در اسلام یکسان است. آنچه را که جوهره اسلام اصیل بوده و هست^{۳۳} بر خلاف بسیاری از اعراب که تحت تاثیر شرایط زمانه و غلبه ایشان بر قدرتهای جهانی عجم را عددی به حساب نمی آوردند و نسبت به آنان رفتاری تحقیرآمیز داشتند و به قول یکی از محققین؛ «...اعراب این موالی را به کنیه که نشانه حرمت بود نمی خواندند با آنها در یک صف راه نمی رفتند و بر یک خوان نمی نشستند...»^{۳۴} امام با موالی مانوس بود. برخی از اعراب برتری طلبی نژادی را به جایی رسانده بودند که ادعا می کردند که خود دیده اند که بین خونهای کشته شدگان عرب و موالی فاصله می افتاده و زمین دیده می شده است^{۳۵} شاعرانی از آنان موالی را بردگان عرب می شمردند که باید گوسفندانشان را بچرانند^{۳۶} می توان تصور کرد که برخورد صمیمانه علی(ع) به عنوان خلیفه با عموم مردم عادی عجم تا چه حد اعرابی را که تعصب عربی داشتند عصبانی می کرده است.

معمولا امام علی(ع) در زمان پذیرفتن هدیه یا دادن هدیه مزاح هم می کرد بر عکس هدیه های سنگین که ایشان را عصبانی می کرد در زمان هدیه گرفتن های ساده ایشان با هدیه دهنده شوخی هم می کرد مثلا در نبرد جمل و در اوج پیکار زمانی که آن حضرت تشنه شده بود یکی از صحابه ناشناس آن حضرت آب و عسل به ایشان تقدیم کرد. امیرالمومنین (ع) درباره ویژگیهای خوب آن عسل با کسی که عسل را به ایشان تقدیم کرده بود صحبت کرد^{۳۷} عبدالله بن جعفر از این که امام در آن لحظات حساس هم از مزاح غافل نیست و درباره همه چیز نکته سنج هست تعجب کرد^{۳۸} امام به محض سرکشیدن آب عسل فهمید که مربوط به سرزمین طائف هست. ایرانی های کوفه هم نسبت به امام ابراز علاقه زیادی داشتند آنان دوست داشتند امام را به جشن های ساده و بی تکلف خویش دعوت کنند و امام هم می پذیرفت زیرا که می دید غیر از سادگی در پشت پذیرایی هایشان توقع و درخواست منصب و امارت و دنیا نهفته نیست. نعمان بن مرزبان - جد ابوحنیفه - در زمان خلافت امام علی(ع) در کوفه در نوروز یا مهرگان برای ایشان فالوذج آورد و آن حضرت (ع) به شوخی فرمود: هر روز ما نوروز یا مهرگان باد^{۳۹} در موردی دیگر یکی از دوستداران ایرانی امیرالمومنین در کوفه ایشان را برای خوردن حلوایی که در نوروز پخته بود دعوت کرد علی(ع) از آن خورد و پرسید: « این

حلو را برای چه پخته بودی؟» وی گفت: «امروز نوروز است» علی(ع) خندید و گفت اگر می‌توانید، همه روزه برای ما نوروز بگیرید^{۴۰} ملاک جشن و شادی و خوشحالی برای آن حضرت عدم معصیت بود، چنانکه از کلمات قصار آن بزرگوار است که: «... هر روزی که در آن معصیت خدا نشود، عید است»^{۴۱}

در هدیه دادن از اموال شخصی امام گشاده دست بود آن حضرت تمام درآمد زمین‌هایی را که در حجاز داشت به مردم اختصاص می‌داد وقتی کارگرانی که بر روی زمین‌ها کار می‌کردند سهم خویش را برداشته و مابقی پول را به کوفه و نزد امیرالمومنین می‌فرستادند ایشان شترهایی را قربانی و به تمام مردم شهر غذا می‌داد در حالی که خودش به خوارکی ساده معمولاً نان و ماست قناعت می‌کرد^{۴۲}. برخی وقتها از شدت سختی نانی که مصرف می‌کرد برای شکستن آن از زانویش کمک می‌گرفت^{۴۳} هدیه دادن به همسایگان عادی‌تر بود و نقل شده است که آن حضرت به همسایگان غیرمسلمان خویش نیز هدیه می‌داد. در یک مورد نقل شده است: «...چون گوسفندی کشت پرسید آیا به همسایه یهودی ما چیزی از آن هدیه داده‌اید که من شنیدم پیامبر(ص) می‌فرمود جبرئیل همواره و چندان مرا در مورد همسایه سفارش فرمود تا آنجا که گمان بردم به زودی همسایه از همسایه ارث خواهد برد^{۴۴} امام در مواردی به یهودیان و شبهاتشان پاسخ می‌داد^{۴۵} ولی در این که در کار خیر با آنان یا برای آنان کاری بکند ابایی نداشت. چنانکه در خبری نقل شده است که نخل‌های یهود را آب می‌داد و آیات قرآن را تلاوت می‌کرد.^{۴۶}

نکته آخر این که امام بین صله رحم و بخشش و هدیه تفاوت قائل بود بر خلاف خلیفه سوم که بخشیدن بیت‌المال به خویشاوندان امویش را صله رحم می‌نامید^{۴۷} و مبلغ هنگفتی را بدانان اعطا می‌کرد^{۴۸} امام به برادرش یا فرزندان و اقوامش اجازه برداشتن دیناری از بیت‌المال را نمی‌داد و عقیل را که سخت درمانده و درویش بود^{۴۹} از خود راند عقیل ترجیح داد به نزد معاویه رود و از بذل و بخشش‌ها و هدایای وی بهره‌مند شود و عبدالله بن عباس به دلیل سخت‌گیری‌های امام در امر بیت

المال از دست آن حضرت ناراحت شد^{۵۰} و در سال چهارم هجری اقداماتی انجام داد^{۵۱} که باعث کدورت‌هایی شد.

نتیجه

با توجه به شواهد ارائه شده در این مقاله به این نتیجه می‌رسیم که هدیه از نظر اسلام و امام علی(ع) ارمغان الهی است که تعیین نوع و چگونگی هدیه گرفتن و هدیه دادن می‌تواند نشانگر فهم و شعور و شخصیت فرد باشد. از نظر امام علی(ع) پرداخت هدیه از اموال عمومی از سوی حاکمان و امرای گناهی نابخشودنی بود و به هر عنوانی هم که بود نمی‌توانست قابل قبول باشد این نوع هدایا عصبانیت امام را برمی‌انگیخت و کسانی هم که سعی داشتند از اموال شخصی هدیه‌های گرانبها را برای آن حضرت تدارک ببینند تا به مقاصد دنیوی برسند و منصب بدست آورند و یا موقعیت دنیایی خویش را تحکیم بخشند مورد بی‌توجهی و احیاناً مغضوب امام واقع می‌شدند حتی اگر هدایا از اموال شخصی هدیه‌کننده‌ها بود و مقصود و منظور دنیوی هم در آن نبود و به هیچ وجه رشوه هم محسوب نمی‌شد، در صورتی که متکلفانه و گرانبها بود پذیرفتنش از نظر امام قابل قبول نبود دست کم امام آن را برای خود قبول نمی‌کرد حضرت علی(ع) تنها هدیه‌هایی را می‌پذیرفت که از اموال شخصی هدیه‌کننده‌ها باشد، منظور و مقصود خاصی مثل رسیدن به حکومت در آن نباشد و نوع هدیه هم ساده یا بی‌تکلف مثل غذای ساده و یا امثال آن باشد. این نوع هدایا مقبول امام بود و با استقبال آن حضرت مواجه می‌شد و آن حضرت برای درهم شکستن غرور برخی اشراف عرب برتری طلب نسبت به پذیرش این نوع هدایا از عجم رغبت ویژه‌ای داشت. آن حضرت از اموال شخصی خود به همه به خصوص همسایگان حتی همسایگان غیرمسلمان هدایایی را تقدیم می‌کرد.

کتابنامه

- ^۱ عباسی، علی اکبر؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، هزاره قفوس، چاپ هفتم، ۱۳۹۵، ص ۲۳
- ^۲ شوری، آیه ۳۸؛ آل عمران، ۱۵۹
- ^۳ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی، اول ۱۳۳۷، ج ۲۰ ص ۳۴۰
- ^۴ همان ۱۷۵/۶
- ^۵ ابن میثم، میثم بن عبدالله بن میثم، ۱۳۶۲، شرح نهج البلاغه، بی جا دفتر نشر الکتب، چاپ دوم ۲۱۲/۲
- ^۶ رضی، سید محمد، ۱۳۷۲، نهج البلاغه، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم خطبه ۷۷ ص ۵۸
- ^۷ من عطفه عنز
- ^۸ رضی، ۱۳۷۲: خطبه ۳ ص ۱۱
- ^۹ رضی، ۱۳۷۲: کلمه قصار ۲۳۶ ص ۴۰۰
- ^{۱۰} بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۴۲/۵
- ^{۱۱} ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۱۴/۳
- ^{۱۲} اسرا وقتی مصقله را که از بزرگان بنی شیبان بود، دیدند گفتند: «یا ابالفضل یا حامی الرجال و فکاک العناه امن فاشترنا و اعتقنا...» رک؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالترتیب العربی، الطبعة الثانی ج ۵ ص ۱۲۹
- ^{۱۳} بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۱۷/۲
- ^{۱۴} ابن واضح یعقوبی، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصار، ۱۹۵/۲
- ^{۱۵} رضی، ۱۳۷۲: خطبه ۴۴ ص ۴۱
- ^{۱۶} ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۵۳، الغارات، به تصحیح سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی ۲۶۵/۱
- ^{۱۷} طبری، ۱۹۶۷: ۱۳۰/۵ ابناثیر، ۳۷۰/۳
- ^{۱۸} بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۱۷/۲
- ^{۱۹} نمونه هایی از این اعتراض ها در منابع نقل شده است اشعث در مسجد کوفه به نزدیکی ایرانیها به امام اعتراض کرد و گفت پیش روی تو این عجم ها بر ما غلبه کرده اند و امام نیز پاسخش را داد برای آگاهی بیشتر از متن این گفتگو رک؛ ثقفی کوفی، الغارات، ج ۲ ص ۴۹۸
- ^{۲۰} ابن عساکر دمشقی، ابوالقاسم علی بن حسین؛ ۱۴۱۵ تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۴۷۷/۴۲-۴۷۸
- ^{۲۱} همان، ۴۷۷/۴۲-۴۷۸
- ^{۲۲} طبری، ۱۹۶۷: ۳۱۳/۴-۳۱۴
- ^{۲۳} نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴، وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، منشورات المکتبه الرضی، ۱۴۴

- ^{۲۴} ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۰۴/۳
- ^{۲۵} نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۴۴
- ^{۲۶} نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۴۴
- ^{۲۷} ابن واضح یعقوبی، بی-تا: ۲۱۸/۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۴۲۰/۳
- ^{۲۸} دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ۱۹۶۰ [چاپ عکسی ایران ۱۳۶۸]، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال الدین الشیال، قاهره، ۱۵۶
- ^{۲۹} تقفی کوفی، ۱۳۵۳: ۳۶۵/۱
- ^{۳۰} ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۴۷/۱۱
- ^{۳۱} «...والسُّحَّتْ بِالْهَدِيَةِ ...» رشوه را هدیه خوانند
- ^{۳۲} رضی، ۱۳۷۲: خطبه ۱۵۶ ص ۱۵۶-۱۵۷
- ^{۳۳} حجرات، آیه ۱۳
- ^{۳۴} زرین کوب، عبدالحسین؛ ۱۳۸۰، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۳۷۹
- ^{۳۵} جاحظ، ابوعثمان، ۱۴۲۳، البیان و التبيين، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۴۱/۳؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۸۱/۱
- ^{۳۶} ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۲۵۸/۱
- ^{۳۷} ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم؛ ۱۴۲۳، الشعر و الشعراء، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، دارالحدیث، ۹۶/۱
- ^{۳۸} مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۴۰۹، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره ۳۶۸/۲
- ^{۳۹} سمعانی، عبدالکریم؛ ۱۹۶۲/۱۳۸۲، انساب، ابو سعید عبدالکریم بن محمد، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی، حیدرآباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ط. الاولى ۶۴/۶
- ^{۴۰} ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۴۸/۱۱
- ^{۴۱} رضی، ۱۳۷۲: کلمه قصار ۴۲۸ ص ۴۳۸
- ^{۴۲} ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۰۱/۲
- ^{۴۳} تقفی کوفی، ۱۳۵۳: ۸۷/۱
- ^{۴۴} ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۸/۱۷
- ^{۴۵} رضی، ۱۳۷۲: کلمه قصار ۳۱۷ ص ۴۱۸
- ^{۴۶} ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۰/۱۲
- ^{۴۷} بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۱۲/۵
- ^{۴۸} ابن میثم، ۱۳۶۲: ۲۶۲/۱
- ^{۴۹} رضی، ۱۳۷۲: خطبه ۲۲۴ ص ۲۵۹
- ^{۵۰} بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۱۱/۱۱
- ^{۵۱} توضیح تفصیلی اقدامات عبدالله بن عباس خارج از موضوع این مقاله است.